



## The Report of Judicial Officials as an Evidence in Iran and England

**Daryush Mehri Kakaee<sup>1</sup>, Samira Golkhandan\*<sup>2</sup>, Akbar Rajabi<sup>3</sup>**

1. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 143-156**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0002-3926-7971

**TELL:** +988646337801

**Email:** s.golkhandan@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 16 Jun 2022

**Revised:** 04 Aug 2022

**Accepted:** 29 Aug 2022

**Published online:** 23 Sep 2022

**Keywords:**

*Judicial Officers, Evidence, Police, England.*

### ABSTRACT

An important part of the final decisions in criminal proceedings are made based on the reports of judicial officers. In this article, the subject of the reliability of the reports of judicial officers to the judicial authorities in Iran and England was studied with a descriptive-analytical method with the aim of identifying the strengths and weaknesses of the reliable reports of judicial officers in Iran and England, and the following results were obtained. The reports of judicial officers in Iran are either by order of the judicial authority to carry out some investigations and matters, or they perform actions without the order of the judicial authority and to carry out legal duties in dealing with the criminal phenomenon and submit their reports to the judicial authority. In England, because the police, as the main judicial officer, are responsible for discovering the crime and conducting investigations, the reports prepared by them play a more important role in the case. Still, in any case, the report needs to be proven in court. According to the Criminal Procedure Code of 1392, in the current situation, the general principle governing the validity of bailiffs' reports in Iranian criminal law is that bailiffs' reports are considered legal evidence; upgrading the value and validity of bailiffs' reports from judicial evidence to legal evidence is an important step towards validating bailiffs' reports.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mehri Kakaee, D; Golkhandan, S & Rajabi, A (2022). "The Report of Judicial Officials as an Evidence in Iran and England". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(3): 143-156.



## مقدمه

گزارش ضابطان قضایی در نهایت باید منجر به علم قاضی شود و این قاضی است که براساس علم خود نسبت به گزارش ضابط قضایی تصمیم‌گیری می‌نماید. علم قاضی که حاصل از گزارش ضابط قضایی است یا برگرفته از اماره قضایی است و یا برگرفته از اماره قانونی است. در وضعیت گزارش ضابطان قضایی برای مقامات قضایی انگلستان اماره قضایی محسوب می‌شود. گزارش ضابطان قضایی در ایران به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ اماره قضایی محسوب می‌شد و در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اماره قانونی محسوب می‌شود.

در هر صورت، گزارش ضابطان قضایی اماره است و دلیل محسوب نمی‌شود. مفهوم دلیل و اماره، هم نزد دکترین ایرانی و انگلیسی و هم در قوانین مورد توجه بوده است. تعریف دلیل و آشکارشدن مصادیق آن، به فهم رابطه دلیل و اماره بیشتر یاری می‌رساند. در یک معنا، دلیل به‌عنوان اثبات‌کننده موضوعات عنوان می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۹۰۳)، البته فرقی نیست به امر وجودی یا عدمی در اثبات نیست. حالت اخیر زمانی رخ می‌دهد که فردی شهادت به عدم حضور متهم، در مکانی را بدهد. از لحاظ لغوی اماره به معنی نشانه و علامت است و از جهت حقوقی، هر چیزی است که اولاً جنبه کاشفیت داشته؛ ثانیاً کاشفیت مذکور قطعی نبوده، بلکه ظنی باشد؛ ثالثاً قانون‌گذار کاشفیت آن را مورد توجه قرار داده باشد. برخلاف قطعیت دلیل، اماره ظنی است. وجه تمایز فقهی بین دلیل و اماره در این است که در اصول فقه، دلیل چیزی است که امور مجهول را واضح و روشن می‌کند و برای کشف واقع و پی‌بردن به حکم واقعی یا موضوعات احکام به کار می‌رود (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۷۲)، به‌علاوه دلیل برای قاضی اقناع‌آور است (Singh, 1990: 46)، درحالی‌که شاید امارات بیشتر با احتمالات همراه باشند. در ایران مفهوم اماره تا حدی برگرفته از مواد قانونی، از جمله ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی می‌باشد که مقرر می‌دارد: «اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود.» به نظر، این ماده کامل نیست و به جای تعریف اماره صرفاً مصادیق آن را که

اماره حکمی و قضایی است، بیان می‌کند. ماده دیگر، ماده ۷ قانون شهادت و امارات مصوب ۱۳۰۸ می‌باشد: «اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که نوعاً صحت اظهارات یکی از طرفین دعوا را برساند. هیچ‌وقت نمی‌توان به استناد امارات حکم داد، مگر این که امارات موجود، قوی و موجه باشد. در این صورت نیز محکمه موظف است اوضاع و احوالی را که مدرک قرار می‌دهد، به‌طور روشن و کافی، کاملاً تشریح کند.» در این ماده از لفظ «اوضاع و احوال» در تعریف اماره استفاده شده که در ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی نیز تکرار شده است. در حقوق انگلیس نیز لفظ «دله اوضاع و احوال»<sup>۱</sup> مطرح است و مصادیق آن علی‌رغم استفاده از واژه «دلیل»، همان امارات می‌باشد (Anderson et al, 2005: 67).

در ارزیابی اعتبار گزارش ضابطان قضایی و از این جهت که گزارش ضابطان، اماره محسوب می‌شود، باید تأثیر آن را در اثبات دعوی کیفری مورد بررسی قرار داد. بدین جهت این مقاله از دو قسمت تشکیل شده است: در قسمت اول وضعیت اماره بودن گزارش ضابطین را در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان بررسی می‌کند؛ در قسمت دوم مصادیق مهم امارات در گزارش ضابطین را بررسی می‌نماید.

## ۱- اماره بودن گزارش ضابطان قضایی

در ایران به موجب ماده ۱۳۲۱، امارات به موضوعی و حکمی تقسیم می‌شوند. اماره موضوعی، اماره‌ای می‌باشد که به اعتبار استنباط از واقعیت هر دعوا و چهره انسانی و شخصی آن معنا می‌یابد. این اماره را به اعتبار درکی که قاضی از وقایع و نشانه‌های دعوا می‌کند و از نتایج آن به موضوع مورد اختلاف پی می‌برد، اماره قضایی نیز نامیده‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۶۵). در مقابل امارات موضوعی، امارات حکمی قرار دارند که نظر قاضی در آن تأثیری نداشته و موارد آن باتوجه به حکم قانون‌گذار معین می‌شود. مصادیق امارات قضایی، می‌تواند بسیار زیادتر از امارات قانونی باشد؛ از طرفی در امور کیفری، امارات قضایی اثبات‌کننده جرم می‌باشند، درحالی‌که در امارات قانونی این چنین نیست و وظیفه امارات حکمی، اثبات حکمی از احکام قانون‌گذار است، مثلاً اماره رشد اثبات می‌کند فردی

<sup>1</sup> - Circumstantial Evidence

فهم بهتر یک مفهوم حقوقی، ناگزیر باید به مبانی و ریشه آن رجوع کرد. ریشه مفاهیم حقوقی ایران، در صورتی که شرایطی وجود داشته باشد و جرم، خاص باشد، مثل برخی جرایمی که در قانون مواد مخدر وجود دارد، در این جا بار اثبات به دلیل وجود اماره مجرمیت، از دادستان به متهم منتقل شده و این اماره به نفع دادستان عمل می‌کند. در این حالت ماهیت اماره به اصل عملی نزدیک‌تر می‌شود، زیرا اصل عملی نیز برای خروج از سرگردانی و تحریر می‌باشد و اماره در این جا چنین وظیفه‌ای را به عهده دارد. در مقابل، تفسیر دیگری نیز قابل طرح بوده و آن این که وظیفه اماره قانونی را نه خروج از تحریر، بلکه راهی برای کشف واقع بدانیم و آن را در زمره دلایل غیرمستقیم برای اثبات قرار دهیم که در این حالت اماره قانونی به امارات در مفهوم خاص آن نزدیک‌تر می‌باشد. برای تفسیر اول می‌توان اماره فراش را مثال زد که در آن فرد مدعی‌نسب راه، از اثبات این امر معاف می‌کند و کافی است که ثابت کند، شرایط و زمینه اعمال اماره به وجود آمده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۷۵).

ادله اثبات دعوا، همان جنبه موضوعی دعواست که مرتبط با اعمال مادی بوده و باعث طرح دعوا می‌شود، مثلاً لزومی ندارد که فرد بزه‌دیده در شکایت خود به مواد قانونی مربوطه استناد کند. ویژگی «دلیل» به مواردی مانند شهادت، اقرار، قسم، قسامه و علم قاضی صحیح نمی‌باشد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). پذیرفتن موضوعیت برای این روش‌های اثبات و کسب مفهوم مخالف از آن (این که سایر روش‌های اثبات، ظنی هستند) قابل نقد می‌باشد، یعنی نباید برای مصادیق از روش‌های اثبات، چه در ظن‌آوری و چه در قطع‌آوری آن، موضوعیت قائل شد، چه بسا شهادتی قطع نیامد و در مقابل یک نظر کارشناسی ضابط قضایی قطع‌آور باشد. به عبارت دیگر، پرسش قابل طرح این است که قاضی در چه صورتی حکم محکومیت صادر می‌کند. به نظر می‌آید که قاضی در صورتی می‌تواند حکم محکومیت صادر کند که نسبت به موضوع قطع پیدا کند و با ظن نمی‌تواند حکم صادر کند. به این ترتیب هیچ‌گاه نمی‌توان با اماره حکم صادر کرد، البته ابتدا باید بدانیم که مصادیق اماره چیست؟

که به سن رشد جزایی رسیده، از جهت مسؤلیت کیفری متمایز از سایر افراد می‌باشد. نمونه امارات قانونی را می‌توان اماره صحت احکام، اماره قصد مجرمانه<sup>۱</sup>، اماره سلامت روانی<sup>۲</sup>، اماره بی‌گناهی<sup>۳</sup> و اماره عدم رشد جزایی<sup>۴</sup> دانست (McDonald, 2012: 216) که در حقوق دو کشور چنین اماراتی وجود دارند و مسبوق به سابقه هستند. در مورد اماره قانونی، می‌توان دو نوع تفسیر را مطرح نمود؛ در یک تفسیر اماره قانونی وسیله‌ای برای آسان کردن اثبات برای کسانی می‌باشد که اماره به نفع آن‌ها به وجود آمده، یعنی در صورت وجود این اماره، بار اثبات مقلوب می‌شود. تفسیر دوم به محتوای اماره فارغ از توجه به بار اثبات توجه دارد. امارات قضایی دارای مصادیق مختلفی مثل اماره پیش‌زمینه<sup>۵</sup>، اماره کارشناسی و اماره مبتنی بر «شناسایی» هستند (Schwikkard & Van der Merwe, 2009: 143) و در بین گزارش‌های ضابطان قضای در هر دو نظام حقوقی می‌توان مصادیقی از آن‌ها را یافت. در معادل اماره پیش‌زمینه در انگلیس از کلمه «دلیل» استفاده شده است، ولی در این جا علی‌رغم استفاده از لفظ دلیل در عمل از لحاظ مصادیق با اماره روبه‌رو هستیم. در تعریف اماره پیش‌زمینه، می‌توان به پرونده‌ای در انگلیس اشاره کرد. در پرونده‌ای و براساس گزارش پلیس، فرد «الف» متهم به سرقت از گاو صندوق فرد «ب» شد. ادله‌ای که علیه فرد «الف» مطرح بود، همان ادله پیش‌زمینه بودند. به این معنی که ثابت شد قبل از سرقت گاو صندوق، «الف» دفترچه یادداشت «ب» را برداشته و در آن دفترچه، رمز گاو صندوق مرقوم بوده است

### ۱-۱- ارتقای ارزش امارات

تاکنون معلوم شد که گزارش ضابطان قضایی، ارزشی بیش از امارات را ندارد و در نتیجه هر قدر که ارزش امارات را بتوان ارتقا داد، گزارش ضابطان قضایی نیز از آن بهره خواهند برد. این موضوع به مبانی امارات برمی‌گردد. منظور مبانی‌ای است که امارات بر آن‌ها به لحاظ حقوقی یا فقهی استوار می‌باشند. از طرف دیگر باید با دیدگاه بهتری مصادیق امارات را برشمرد تا در نتایج حاصل از آن دچار اشتباه نشویم. در حقوق ایران برای

<sup>۴</sup>- این اماره قبلاً در حقوق انگلستان به عنوان Doli Incapax وجود داشت که در سال ۱۹۸۸ با تصویب قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۸۸ کنار گذاشته شد.

<sup>۵</sup>- Background Evidence

<sup>۱</sup>- Presumption of Intention

<sup>۲</sup>- Presumption of Insanity

<sup>۳</sup>- Presumption of Innocence

موجب اثبات جرم شود، درحالی که در دلیل، وجود یک مورد از آن در جرمی می‌تواند موجب اثبات آن جرم شود. طبق تعریف مذکور سابقه بد اماره است و کارشناسی و بسیاری از روش‌های علمی اثبات، دلیل می‌باشند. ایرادی که به فقه می‌توان وارد کرد، شاید نه به این است که چرا فقهای متقدم صریحاً از ارزش لکه خون و قطع‌آوری آن صحبت نمی‌کردند، زیرا آن‌ها دارای امکانات مرتبط با آزمایش لکه خون نبودند<sup>۴</sup>، ولی این امر امروزه توسط فقهای متأخر تعدیل نشده و به آن‌ها می‌توان ایراد گرفت که به پویانمودن فقه نپرداخته‌اند. از طرف دیگر اگر فقهای متقدم به موارد مرتبط با کارشناسی، نسبت به مواردی مثل شهادت کمتر استناد می‌جسته‌اند، شاید به جهت نیاز کمتر بوده است، یعنی اولاً در گذشته، بیشتر «حدود» مطرح بوده‌اند که آن‌ها نیز عموماً توسط شهادت و اقرار قابلیت اثبات داشته‌اند؛ ثانیاً تعزیرات به گستردگی امروز نبوده‌اند تا نیاز به امارات و روش‌های مرتبط با کارشناسی برای اثبات آن‌ها باشد.

مواردی از قبیل آزمایش DNA و بسیاری موارد دیگر مانند آن که در گزارش پلیس به آن‌ها استناد شده است، ظن‌آور نیستند، بلکه قطعیت صددرصد دارند. از طرف دیگر، قطعیت دلایلی مثل شهادت و اقرار، قابل تأمل و نقد می‌باشد. ذهن افراد نسبت به وقایعی که دیده یا شنیده‌اند، ممکن است رو به فراموشی رود و در صورتی که در پرونده‌ای، بعد از دو سال مفتوح‌بودن، شاهد دعوا به آن شهادت دهد، باید به دیده تردید به آن نگریست. حداقل این که این دلیل در مقابل روش‌های علمی اثبات، ضعیف‌تر می‌باشد. در بسیاری از موارد باید گزارش ضابط قضایی ارزشی بیشتر از ادله اولیه و اصلی در دعوی کیفری داشته باشد.

حقوق انگلیس تفکیک را بین اماره و «دلیل واقعی»<sup>۵</sup> صورت داده است. در حقوق انگلیس، ارزش اماره نسبت به «دلیل واقعی»، با تردید بیشتری همراه است. به همین جهت، می‌بایست توسط هیأت منصفه، مورد بررسی بیشتری قرار گیرد. دلیل واقعی، مواردی مثل ثبت رایانه‌های، رادار و ... می‌باشد.

مصادیق اماره، موارد مرتبط با کارشناسی نیست، یعنی دی.ان.ای، اثر انگشت و مانند آن که توسط پلیس در گزارشش مورد استفاده قرار می‌گیرد، نمی‌تواند اماره باشد، پس اماره مواردی مثل اقرار ناقص، وقایع مشابه<sup>۱</sup>، سابقه بد و مانند آن است. در مقابل ادله اثبات احکام، جنبه حکمی دعوا بوده و همان قوانینی می‌باشد که پایه و مبنای اعمال مادی است، یعنی به موجب ادله اثبات احکام، قاضی موظف می‌باشد در حکم خود ماده قانونی مورد نظر را مستند قرار دهد (قرجه‌لو، ۱۳۸۸: ۳۶۴).

وقایع مشابه، مواردی می‌باشد که می‌توان با مثالی آن را توضیح داد. راننده‌ای که یک زن موتورسوار را در بزرگراه می‌کشد، در مورد او دو امکان وجود دارد: یا عمداً این کار را انجام داده و یا این که صرفاً یک تصادف غیرعمدی بوده؛ فرض اول زمانی قوی‌تر می‌شود که همین فرد روز قبل از حادثه، دو زن دیگر را نیز که موتورسوار بوده‌اند، به زمین افکنده و سپس مورد ضرب و جرح قرار داده باشد و زن دیگری را نیز ساعاتی بعد از آن از موتورش به زمین انداخته و کیف دستی او را ربوده باشد.<sup>۲</sup> همچنین در صورتی که همسر فردی در حمام فوت کند و دو احتمال حمله صرعی و قتل مطرح باشد، در صورتی که همسر اول وی نیز در چنین شرایطی مرده باشد، احتمال دوم قوی‌تر است. در این پرونده‌ها ضرب و جرحی که نسبت به دو موتورسوار دیگر صورت گرفته و فوت مشکوک همسر سابق فرد، وقایع مشابهی هستند که در گزارش پلیس به اثبات جرم کمک می‌کنند، ولی میزان ارزش اثباتی آن‌ها در حد یک اماره است.<sup>۳</sup>

اگر فقط یکی از مصادیق اخیر در ارتکاب جرمی در گزارش پلیس آمده باشد، نمی‌تواند منجر به محکومیت شود، ولی باوجود حداقل پنج مورد از آن‌ها، می‌توان حکم به محکومیت داد، درحالی که در مواردی مثل نظر کارشناسی (از جمله انتساب لکه خون به فرد) و ...، احتیاج به تعدد نیست، زیرا این مورد «دلیل» می‌باشد. در تفکیکی بین اماره و دلیل می‌توان گفت، اماره مواردی می‌باشد که وجود یک مورد از آن‌ها نمی‌تواند

<sup>۴</sup> - «و اما القسامه فتبت مع اللوث و اللوث اماره یظن بها صدق المدعی کوجود ذی سلاح ملطخ بالدم عند قتیل فی دمه...»

<sup>۵</sup> - Real Evidence

<sup>۱</sup> - Silmlilar Fact Evidence

<sup>۲</sup> - R.V. Mortimer 1936

<sup>۳</sup> - R.V. Smith 1915

پذیرش امارات را در نبود ادله توجیه می‌کنند. دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم به‌عمل آورده و در تحصیل و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ‌وجه نباید تأخیر نمایند.

در ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که: «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به‌عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند»، یعنی حتی در این شرایط نیز نباید تحقیقات متوقف شود (قرجه لو، ۱۳۸۸: ۳۶۹).

در صورتی که متهمی در جلسه دادگاه حضور نیافته و وکیل و لایحه دفاعیه نیز نفرستاده باشد، منعی برای عدم رسیدگی وجود ندارد و دادگاه می‌تواند در جرایم حق الناس حکم غیابی صادر کند. تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع انجام تحقیقات نمی‌شود (خالقی، ۱۴۰۱: ۷۴). همه این موارد نشان می‌دهد که ضابط قضایی در بیشتر موارد هیچ دلیل مسلمی ندارد و باید با توسل به امارات این نقصان را جبران نماید. با ملاحظه این موارد قانونی، می‌توان استفاده از امارات را در صورت نبودن «دلیل»، توجیه کرد.

تعداد اندکی از جرایم وجود دارند که در آن‌ها دلایل اثبات جرم مطرح می‌شود. در بسیاری از جرایم «دلیلی» وجود ندارد و صرفاً امارات به صدور حکم کمک می‌کنند. معمولاً اکثر قتل‌ها، سرقت‌ها و ... بدون حضور شاهد اتفاق می‌افتد و تنها چیزی که در صحنه جرم باقی است، اماره می‌باشد. در این حالت عدم پذیرش امارات، خلاف منطق و عقل می‌باشد، زیرا بسیاری از پرونده‌ها بدون نتیجه باقی می‌مانند.

در حقوق انگلیس معادل اماره، لفظ «Presumption» می‌باشد، البته علی‌رغم این که در حقوق انگلیس، لفظی معادل «فرض<sup>۲</sup>» وجود دارد، ولی گاهی مصادیقی که در حقوق ما

برخی حقوق‌دانان انگلیسی، اماره را در صورتی باارزش می‌دانند که متعدد باشد، مثلاً دی‌ان‌ای یا اثر انگشت یا رد لاستیک ماشین را هیچ‌گاه به تنهایی برای اثبات جرم کافی نمی‌دانند، بلکه مجموع آن‌ها را برای اثبات جرم ضروری می‌دانند (Schwikkard & Van der Merwe, 2009: 159). در حقوق ایران، گاه در مقام اثبات، به گزارش ضابط قضایی مبنی بر «میزان کشیده‌شدن لاستیک در خیابان» که دلالت بر سرعت زیاد و بی‌مبالاتی منجر به قتل غیرعمد دارد، استناد شده است.<sup>۱</sup> در حقوق انگلیس صرف اقرار می‌تواند منجر به صدور حکم شود، مشروط بر این که تحت فشار به‌دست نیامده باشد، درحالی که در امارات این‌گونه نیست، مثلاً کارشناسی ضابط قضایی به‌عنوان یک اماره موضوعی، دارای ارزش مشورتی است، هرچند هیأت منصفه، اغلب از نظر کارشناسی عدول نمی‌کند (McDonald, 2012: 163).

برای این که بتوان با یک مفهوم به‌شکل صحیح‌تری آشنا شد، باید فهمید که به چه جهاتی آن عنوان را ایجاد کرده‌اند تا متعاقباً در توسعه یا تضییق مصادیق آن، به‌شکل صحیحی عمل نمود. امارات کیفری نیز از این مسأله مستثنا نبوده و دارای مبانی خاص خود هستند. به همین جهت در این بند، مبانی مورد توجه در حقوق موضوعه یا دکتربین برای ایجاد امارات، در حقوق دو کشور بررسی می‌شود.

یکی از این مبانی، جلوگیری از تطویل دادرسی و هدررفتن وقت هیأت منصفه می‌باشد. به این معنا که گاه دلایل مستقیم، مثل شهادت وجود ندارد و مفتوح‌گذاشتن پرونده برای پیدا کردن این‌گونه دلایل، در عین وجود امارات، باعث تطویل دادرسی است. در این حالت اگر اماره‌ای باشد، هیأت منصفه می‌تواند بر مبنای آن تصمیم‌گیری کند، مثلاً هیأت منصفه می‌تواند از سکوت متهم، فرار، دروغ و مواردی مانند آن، تصمیم مقتضی نسبت به متهم بگیرد. این رویه در حقوق انگلیس جاری می‌باشد و در حقوق ایران نیز می‌توان آن را یکی از مستندات دادگاه برای تسریع دادرسی دانست. در واقع در حقوق ایران، مواد مختلفی در قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارند که

<sup>۲</sup>- Fiction

<sup>۱</sup>- رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور، شماره ۴۸۷۱-۲۱-۱۳۳۹/۹۶ مندرج در: مجموعه رویه قضایی کیهان، جلد اول جزایی، چاپ ۱۳۴۴، ص ۱۶۷.

در حقوق انگلیس قاضی می‌تواند بر مبنای علم شخصی تصمیم‌گیری کند، مشروط بر این‌که در آن زمینه تخصص داشته باشد. در غیر این صورت، باید بر مبنای علمی که از عرف و نظم عمومی ناشی می‌شود، حکم دهد. علم ناشی از عرف را می‌توان با مثالی توضیح داد. در پرونده‌ای<sup>۱</sup> متهم از دادن نمونه آزمایش خود خودداری کرد. این در حالی است که به موجب ماده ۹ تبصره ۳ از «قانون ترافیک جاده‌ها مصوب ۱۹۷۲»<sup>۲</sup> می‌بایست این آزمایش را انجام می‌داد. توجیه متهم که در گزارش پلس هم آمده بود، این بود که سابقاً به خاطر تزریق آمپول که در وی حالت ترس ایجاد کرده، به غش رفته است. قاضی دادگاه که از افراد مجرب به مایه‌کوبی بود، بیان کرد که ترس وی بر مبنای واکنش‌های هیستریک، صحیح می‌باشد و حکمی علیه او صادر نکرد (Allen et al, 2015: 79)، به این ترتیب در حقوق انگلیس، علم قاضی از نوع غیرشخصی پذیرفته شده و در صورتی که قاضی در موضوع مورد نظر متخصص باشد، می‌تواند با نظر شخصی خودش به گزارش ضابط قضایی اعتبار بدهد.

پرسش دوم این است که رابطه علم قاضی با اماره قضایی در ایران و انگلیس چگونه قابل طرح است؟

در امارات قضایی، قاضی هم در تشخیص اماره بودن یک وضعیت و هم در ارزش‌دادن به آن، از «علم» خود در صدور حکم استفاده می‌کند. همان‌گونه که عنوان شد، امارات موضوعی یا قضایی، اماراتی هستند که در ایران و انگلیس به دست قاضی سپرده شده‌اند و در هر مورد قاضی ممکن است باتوجه به اوضاع و احوال قضیه، وضعیت را اماره قضایی بداند. در تشخیص این اماره نیز، قاضی از علم خود استفاده می‌کند. رابطه علم قاضی و اماره آنقدر نزدیک است که در رأی از دادگاه عالی انتظامی قضات عنوان شده، علمی که خارج از قراین و دلایل مورد پذیرش عامه مردم به دست آمده، فاقد اعتبار است، چون صلاحیت و اختیارات قاضی منصوب، محدود به همان حدی است که در ابلاغ قضایی و طی مقررات موضوعه مشخص شده و «هیچ‌کس را نمی‌توان مجرم دانست، مگر آن که جرم او به استناد دلایل و مدارک قانونی در دادگاه ثابت

فرض قانونی می‌باشند، در حقوق انگلیس، زیرمجموعه اماره قرار می‌گیرند. منظور از فرض مواردی است که برخلاف اماره، کشف از واقع نمی‌کند، ولی بنا به مصلحتی اجتماعی ایجاد شده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴: ۴۷۲). علت رعایت نکردن چنین تقسیم‌بندی در حقوق انگلیس نیز، دقیق‌نبودن حقوق انگلیس در انجام تفکیک‌های آکادمیک می‌باشد. از جمله مصادیق آن، مواردی می‌باشد که حمایت از بزه‌دیده در آن‌ها مطرح می‌گردد. بر مبنای رویه قضایی انگلیس، اگر در گزارش پلیس آمده باشد که فردی تصاف کرده و مجروح شده، اماره بر این است که راننده خاطی که موجب مجروح شدن عابر شده، با رضایت مالک، وسیله نقلیه را می‌رانده (در صورتی که راننده فردی غیر از مالک باشد)، زیرا در این حالت، بزه‌دیده دعوا امکان جبران خسارت را از دو طریق، یعنی مالک و راننده (در صورتی که مالک به هر دلیلی نپردازد) می‌یابد. در حقوق ایران چنین چیزی وجود ندارد.

#### ۱-۲- علم قاضی و اماره قضایی

علم قاضی در قوانین ایران و رویه قضایی انگلیس مورد توجه بوده است. در قوانین ایران از جمله قانون مجازات اسلامی، مواد مختلفی در جرایم قتل و سرقت حدی، به این روش اثباتی اختصاص یافته است. در خصوص علم قاضی نیز اصولاً سه نوع علم وجود دارد: اول علمی که برای تصدی شغل قضا به آن نیاز می‌باشد، مثل آگاهی از علم حقوق، روان‌شناسی، فقه و ...؛ دوم علمی که مرتبط با دلایل خارج از پرونده است، مثل نزاعی که قاضی مانند سایر افراد جامعه نظاره‌گر آن است. آخرین نوع علم نیز علمی ناشی از بررسی پرونده است، یعنی قاضی با خواندن پرونده و تحقیق از اصحاب دعوا، به واقعیت‌های پرونده پی می‌برد، مثلاً با دعوت شهود یا با اقرار متهم به نتایجی می‌رسد. صدور حکم بر مبنای علم دوم قاضی را در مظان اتهام قرار می‌دهد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۱)، زیرا احکام دادگاه باید مستند باشد؛ اما علم ناشی از حالت سوم می‌تواند مبنای صدور حکم قرار بگیرد، یعنی فرضاً اگر بر مبنای اماره، به موضوعی علم پیدا کرد، می‌تواند مبنای صدور حکم باشد و به این شکل اماره و علم با یکدیگر ارتباط می‌یابند.

<sup>2</sup>- Road Traffic Act 1972

<sup>1</sup>- Wetherall v. Harrison

وجود داشته است، یعنی در یک فصل شهادت به‌طور مستقل و در فصل دیگر کارشناسی در زیرمجموعه امارات بررسی می‌شده و این که عده‌ای کارشناسی را بر دو قسم می‌دانند، غلط می‌باشد. عده‌ای معتقدند کارشناسی گاهی اماره و گاهی دلیل قطعی است، درحالی‌که این دیدگاه درست نمی‌باشد، زیرا هیچ‌گاه در بحث طرق اثبات نمی‌توان برای یکی از راه‌های اثبات، ماهیتی دوگانه قائل شد. اولین اثر نادرست آن این است که میزان سوءاستفاده قضات افزایش می‌یابد.

انجام چنین تفکیکی در نظر بعضی نویسندگان صورت گرفته، به نظر ایشان، کارشناسی در صورتی که بدون درخواست اصحاب دعوا و با نظر دادگاه انجام گیرد، اماره و در غیر این صورت، دلیل می‌باشد (ناصری، بی‌تا: ۲۰۱). دادن چنین ماهیت دوگانه‌ای به اماره درست نیست، زیرا یا آن وضعیتی که مورد بررسی است، ویژگی‌های دلیل را دارد که در این صورت «دلیل» می‌باشد و یا ویژگی‌های اماره را دارد که در این صورت نیز «اماره» تلقی می‌گردد. قائل شدن ویژگی دوگانه برای یک وضعیت، به جهت نقضی است که در تعریف دلیل یا اماره وجود دارد، وگرنه چنین نظری حاصل نمی‌گردید.

## ۲-۲- امارات مبتنی بر «شناسایی» در گزارش ضابطان

در اثبات جرایم و حتی موضوعات مدنی، روش‌های متعددی قابل اعمال می‌باشد که هر کدام از آن‌ها نیز در یک دسته‌بندی خاص قرار می‌گیرند، البته در حقوق ایران، قوانین و در حقوق انگلیس، رویه قضایی نیز می‌تواند در انجام چنین تفکیک و تقسیم‌بندی دخیل باشد، هرچند بیشتر تقسیم‌بندی‌ها، از دکتربندی ناشی می‌شود. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها، بررسی امارات تحت عنوان امارات مبتنی بر «شناسایی» است که هرچند بیشتر مورد توجه حقوق دانان انگلیسی بوده، ولی ذکر آن در حقوق ایران نیز خالی از ارتباط نیست.

این امارات در قوانین و رویه هر دو کشور، قابل مشاهده می‌باشند. علت به‌کاربردن «شناسایی» تشخیصی می‌باشد که شاهد در آن نسبت به صدا و چهره متهم در نزد ضابط قضایی صورت می‌دهد، هرچند ممکن است شناسایی از طریق کامپیوتر

شود» (آشوری، ۱۳۹۸: ۵۵) و این که «در صورت استناد حاکم به علم خود، اعتبار علم مخصوص مواردی است که قراین و شواهد و دلایل مفید علم برای متعارف مردم، در پرونده منعکس باشد» (کریم‌زاده، ۱۳۷۶: ۹۵).

## ۲- مصادیق مهم امارات در گزارش ضابطان قضایی

امارات قضایی می‌توانند به انواع مختلف تقسیم شوند. در زیرمجموعه این امارات، کارشناسی با انواع مختلف علوم و اماره «شناسایی» قرار دارد:

### ۱-۲- گزارش ضابط قضایی به‌عنوان نظریه کارشناسی

در زیرمجموعه روش‌های اثبات، کارشناسی با انواع تخصص‌های علمی قرار دارد. این تخصص‌ها برای ضابطان قضایی در انواع مختلف، مثل آزمایش دی‌ان‌ای، اثر انگشت و ... در ارتباط با کارشناسان زیست‌شناسی و تشخیص هویت، می‌توانند در کشف و اثبات جرایم مؤثر بوده و وظیفه دادگاه‌ها را در تصمیم‌گیری سهل‌تر نمایند. در حقوق انگلیس، کارشناسی یکی از طرق غیرمستقیم برای اثبات جرایم می‌باشد. به نظر می‌رسد، در حقوق ایران نیز کارشناسی جزء امارات قضایی بوده که در برخی قوانین نیز احصا شده است. در ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی، بحثی از کارشناسی نشده و به ذکر اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم به‌عنوان دلایل اثبات دعوا، بسنده شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی این تقیصه مرتفع شده است و کارشناسی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد پذیرش قرار گرفته است. این که به‌لحاظ فقهی و حقوقی بعضی کارشناسی را نوعی شهادت احتساب کرده‌اند، صحیح نیست، زیرا به‌لحاظ قانونی و از نظر اکثریت حقوق دانان، در ذیل امارات قضایی بحث می‌شود.

در دو کشور از لفظ شاهد برای کارشناس استفاده می‌شود. در انگلستان از عبارت «Expert Opinion Witness» استفاده می‌شود؛ در حقوق ایران نیز از لحاظ فقهی و حقوقی این دو شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، ولی این شباهت‌ها هیچ‌گاه باعث قرارگرفتن کارشناس در ذیل شهادت نبوده است، ولی همواره در هر دو سیستم فصل مجزایی راجع به کارشناسی و شهادت

از «صف‌آرایی» این است که صدای ضبط‌شده متهم در بین چند صدای دیگر، برای شاهد پخش می‌شود؛ همان‌طور که در شناسایی چهره نیز مظنون اصلی در میان چند فرد دیگر قرار داده می‌شود و شاهد به شناسایی متهم اصلی می‌پردازد. به جهت قرارگرفتن صداها یا چهره‌های مختلف در یک «صف»، از اصطلاح «به صف‌آرایی» استفاده می‌شود.

به جهت مرتبط‌بودن این روش اثباتی با علم صداشناسی، در بررسی و تحقیق، دارای پیچیدگی‌های خاص خود می‌باشد. از یک طرف، در نظر متخصصین مختلف، برای انتساب یک صدا به فرد، باید نکات علمی دقیقی را به کار برد. از طرف دیگر وقتی نظر کارشناس اعلام شد، باید از لحاظ حقوقی به موجب دکترین، ارزش اثباتی آن مورد بررسی قرار گیرد. به همین جهت در این تحلیل قرار می‌گیرند (قرجه‌لو، ۱۳۸۸: ۳۷۱).

حقوق دانان انگلیسی در مسأله تشخیص از طریق صدا، دقت بالایی را صرف می‌کنند تا آنجا که «شناسایی»<sup>۴</sup> را از «درک»<sup>۵</sup> متمایز می‌نمایند. اولی زمانی می‌باشد که مثلاً کسی برای نخستین بار از پشت دیوار، صدای ثالثی را که به دیگری توهین می‌کند، می‌شنود؛ حالت دوم نیز زمانی است که کسی برای بار دوم از پشت دیوار، صدای ثالثی را که به دیگری توهین می‌کند، می‌شنود، درحالی‌که قبلاً هم این صدا را شنیده و با آن آشنایی دارد. نسبت به این موضوع دو مسأله قابل طرح می‌باشد: اول این که احتمال پیش‌داوری در «شناسایی» کمتر است، یعنی معمولاً افراد وقتی صدایی را برای بار دوم می‌شنوند، سعی بر این دارند که تفاوت‌های بین دو صدا را نادیده گرفته و صدای آن‌ها را یکی بدانند، درحالی‌که در شناسایی این‌گونه نیست؛ دوم این که، در شناسایی، احتمال به ذهن سپردن صدا کمی ضعیف می‌شود، درحالی‌که اگر فرد برای بار دوم صدا را شنیده باشد، راحت‌تر آن را به‌خاطر می‌سپارد. پس هم «شناسایی» و هم «درک»، هر کدام دارای معایب و محاسنی هستند. این تفسیری است که می‌توان بر نظر این عده از محققین که قائل

صورت پذیرد، ولی لفظ شناسایی اصولاً به شاهد بازمی‌گردد. شاید گفته شود که در کارشناسی دی‌ان‌ای و اثر انگشت نیز نوعی شناسایی وجود دارد، ولی باید گفت در موارد مذکور، شاهد دخالتی در موضوع ندارد و از طرفی آثاری از متهم در صحنه جرم بر جای می‌ماند، درحالی‌که در «شناسایی» هم شاهد دخالت دارد و هم اثر مادی و فیزیکی از متهم برجای نمانده و صرفاً چهره یا صدای متهم به‌عنوان یک اثر غیرمادی و غیرملموس، در ذهن شاهد قرار گرفته است. در قوانین موضوعه انگلیس نیز، از جمله در قانون «PACE» از لفظ شناسایی برای این امارات استفاده شده و جای تردید باقی نگذاشته است.

منظور از شناسایی از طریق رایانه، مواردی می‌باشد که به «ادله الکترونیکی» معروف هستند. در این ادله فرد ممکن است به واسطه داشتن یک سری اطلاعات در فایل شخصی خود، متهم به جرمی شود، مثلاً درخصوص قتلی که در منطقه‌ای رخ داده و عده‌ای به آن متهم می‌باشند، اگر یکی از مظنونین در فایل شخصی خود در رایانه، راجع به درگیری خود در آن قتل و نحوه کشته‌شدن مقتول توسط او، مطلبی نوشته باشد و پلیس به این مطلب دست یافته باشد، می‌تواند به‌عنوان یک اماره قوی علیه او به کار رود. در این‌جا نحوه اثبات جرم، همان شناسایی از طریق فایل رایانه‌ای می‌باشد.

از انواع مختلف شناسایی مورد استفاده توسط پلیس، شناسایی از طریق صدا می‌باشد. در واقع درک شاهد نسبت به جرم چند حالت دارد: یک حالت دیدن چهره مجرم می‌باشد که به آن «شناسایی بصری»<sup>۱</sup> نیز می‌گویند؛ حالت دیگر این است که شاهد چهره متهم را ندیده، ولی توانسته صدای او را بشنود، برای این که بتوان دریافت که آیا صدای شنیده‌شده توسط شاهد، همان صدای متهم می‌باشد یا خیر، دو راه وجود دارد: یا صدای ضبط‌شده‌ای از متهم برای شاهد پخش می‌گردد یا این که صدای متهم در بین چند صدای دیگر برای شاهد ارائه می‌شود. به حالت اول، شناسایی از طریق «صدای واحد»<sup>۲</sup> و به دومی شناسایی از طریق «به صف‌آرایی»<sup>۳</sup> گفته می‌شود. منظور

<sup>4</sup> - Identification

<sup>5</sup> - Recognition

<sup>1</sup> - Visual Identification

<sup>2</sup> - Voice Identification Evidence

<sup>3</sup> - Voice Identification Parade

به تفکیک ادراک و شناسایی هستند، وارد نمود ( Arden, 2022).

در انگلیس، دادگاه‌های ولز جنوبی نظر داده‌اند که تشخیص صدا فقط از نوع «ادراک»، قابل اعتماد می‌باشد، زیرا صداهای تکراری و آشنا، دارای شانس بیشتری برای صحت و درستی هستند، یعنی شهادتی که برای بار دوم صدایی را می‌شنود، احتمال خطایش در تشخیص کمتر می‌شود، البته این نظر متضمن ایراد پیش‌داوری است که در بالا راجع به آن توضیح داده شد. نظر دیگری که از همین راجع بیان شده، این است که در کنار صداهای تکراری، صرفاً صداهای خاص و «صداهای واضح»<sup>۱</sup>، قابل قبول برای شناسایی می‌باشند. منظور از صداهای خاص، صداهایی هستند که به‌خاطر سپردن آن‌ها به‌جهت ویژگی‌های آن‌ها آسان بوده و احتمال در تشخیص آن‌ها کمتر می‌باشد، مثلاً صدای یک هنرپیشه که بارها در تلویزیون ظاهر شده، می‌تواند یک صدای خاص باشد.

اماره صدا، در جرایم مختلفی قابل تحقق می‌باشد. این اماره می‌تواند در جرایمی مثل قتل، کلاهبرداری، دزدی و ... اتفاق بیفتد، اما این اماره به‌شکل خاص، در جرایمی مطرح می‌شود که به‌خصوص در آن ارتباط تلفنی و کلامی مطرح می‌شود، مثلاً در گروگان‌گیری، آدم‌ربایی و مزاحمت تلفنی قابل تحقق است. از لحاظ علمی، موضوعات متعددی در صدا قابل بررسی می‌باشد، از جمله این که نوع صدای افراد به عوامل مختلفی، از جمله آب‌وهوا، طبقه اجتماعی، نژاد، جنس، سن، بیماری و ... بستگی دارد. پس در جرمی که نوع ضربات چاقو حاکی از بزرگسال‌بودن قاتل دارد، نمی‌توان مدعی بود که شاهد، صدای بچه‌ای را شنیده است و ...، درواقع این عوامل می‌تواند به درست یا نادرست‌بودن تشخیص شاهد، کمک کند. اقدام متهم به تغییر صدا یا عدم تغییر صدا، می‌تواند از جمله عوامل دیگر باشد، یعنی گاه متهمی که مجدداً صدای او در بازپرسی برای شاهد پخش می‌شود، ممکن است صدای اصلی خود را تغییر داده و موجب اشتباه شاهد شود. این عاملی می‌باشد که باید در شناسایی از طریق صدا، مد نظر قرار گیرد.

مسئله اخیر در جای دیگر نیز بحث می‌شود و آن زمانی می‌باشد که روش به‌دست‌آوردن صدای متهم، مطرح می‌گردد. دو روش برای کسب صدای متهم وجود دارد: یک روش با رضایت وی؛ روش دیگر با خدعه و فریب و بدون رضایت او می‌باشد. روش اول مطابق اصول و قواعد مرتبط با عدالت کیفری بوده، ولی در عین حال، ایراد تغییر صدا توسط متهم وجود دارد، درحالی که به‌دست‌آوردن صدا از طریق فریب و خدعه چنین ایرادی را ندارد، یعنی اگر بدون مطلع کردن متهم از ضبط صدای او در حین بازجویی، نمونه صدایش ضبط شود، این روش، همراه با فریب و خدعه می‌باشد. در پرونده‌ای<sup>۲</sup> قاضی «دوگیو»<sup>۳</sup> این گونه رأی داد که چون تشخیص صدای متهم توسط شاهد، در مرحله بازرسی و قبل از حضور وکیل وی، بدون رضایت او توسط پلیس صورت گرفته و در زمانی که صدای او توسط شاهد استماع می‌شده، وی اطلاعی نداشته، این شناسایی از طریق صدا، فاقد اعتبار می‌باشد، زیرا پرواضح می‌باشد که اگر چنین اطلاعی به متهم داده می‌شد، او ابتدا با وکیل خود مشورت می‌نمود و می‌توانست از حق سکوت استفاده کند، درحالی که در پرونده فوق چنین اتفاقی نیفتاده است، البته به‌رغم چنین رأیی، هنوز مراجع پلیسی در انگلیس، به کسب صدای متهم بدون رضایت وی (به‌خصوص در مورد کودکان) می‌پردازند که خلاف اصول دادرسی می‌باشد (Holton, 2022: 41).

اصولاً تشخیص از طریق صدا، مورد انتقاد قرار گرفته و به‌ویژه در صورت وجود تأخیر، بین زمان شنیدن و زمان شناسایی (زمان اتفاق افتادن جرم و زمانی که شاهد سعی در شناسایی صدا در مرحله تحقیقات دارد) این ارزش کمتر می‌شود، در ضمن طبق تحقیقات علمی، اولین باری که صدا برای شاهد پخش می‌شود، شناسایی وی دقیق‌تر است، پس در صورت پخش مجدد صدا از ضبط صوت، این دقت پایین می‌آید، صداهایی که از ضبط صوت پخش می‌شوند، نسبت به صدایی که شاهد به‌طور زنده می‌شنود، دارای مزیت پخش مجدد هستند، درحالی که در صدای زنده، این مزیت وجود ندارد. از طرف دیگر امکان دیده شدن شاهد، توسط متهم در پخش زنده وجود دارد، درحالی که در صدای ضبط‌شده، این خطر موجود نیست. نکته دیگر این که،

<sup>3</sup>- Doogue

<sup>1</sup>- Transparent Voice

<sup>2</sup>- Taumata

زمانی ایجاد می‌شود که شاهد متهم را نمی‌شناسد و برای اولین بار صدا یا چهره او را در صحنه جرم می‌شنود و می‌بیند و اگر چنین به صف‌آرایی صورت نگیرد، وی نمی‌تواند تصویری از چهره او به دست دهد یا تن صدای او را بیان کند.

در حقوق انگلیس از جهت ارزش اثباتی، بین تشخیص چهره و صدا فرقی نیست و هر دو دارای ارزش بالایی هستند، درحالی که در حقوق ایران فقط تشخیص چهره، دارای ارزش بالایی می‌باشد و «دلیل» شمرده می‌شود، درحالی که تشخیص صدا، صرفاً اماره‌ای بیش نیست. تنها در یک صورت تشخیص صدا، دلیل می‌باشد و آن زمانی است که ماهیت جرم، مثل فحاشی یا توهین از طریق صدا ایجاد می‌شود.

در حقوق انگلیس رویه‌ای ایجاد شده تا هرچه بیشتر از میزان اشتباهات هیأت منصفه در تصمیم‌گیری راجع به تشخیص صدا و چهره بکاهد. به موجب رویه موجود در حقوق انگلیس، قاضی موظف می‌باشد تا به هیأت منصفه درخصوص این که باید در تصمیم‌گیری از روی شناسایی دقت بالایی به کار برند، اخطار دهد. این اخطار معروف به «Turnbull Warning» می‌باشد که از دعوایی با همین نام<sup>۱</sup> اخذ شده است. به موجب این اخطار، هیأت منصفه در تصمیم‌گیری از روی شناسایی چهره، باید نکات زیر را مد نظر قرار دهد:

مدت زمانی که شاهد، چهره متهم را دیده چه میزان بوده است؟  
در چه فاصله‌ای چهره متهم را دیده است؟

با چه میزان وضوح و روشنایی، دیدن صورت گرفته است؟  
نوع دیدن چگونه بوده، آیا در ازدحام یا در ترافیک شلوغ متهم را دیده است؟

آیا شاهد متهم را برای بار اول می‌دیده است؟  
نمایاندن چهره متهم برای شاهد دو وضعیت دارد: یا به جهت رویت چهره متهم در صحنه جرم، برای تشخیص چهره او توسط شاهد می‌باشد یا برای شناسایی صدای متهم است، یعنی در حالت اخیر، موضوع ارتباطی به شناسایی چهره ندارد و اصولاً

شهودی که بلافاصله شناسایی یا عدم شناسایی خود را بعد از شنیدن صدای متهم اعلام می‌دارند، تصمیم‌گیری‌شان دقیق‌تر از افرادی می‌باشد که با تأمل بیشتری به پاسخگویی می‌پردازند، در ضمن، شاهد نباید بیش از دو بار به صدای متهم گوش دهد، زیرا ضریب تشخیص بسیار پایین می‌آید.

محققین برای کاهش ایرادات مذکور، روشی را پیشنهاد کرده‌اند که در قانون «PACE» نیز مندرج می‌باشد. این روش، شناسایی متهم از طریق شنیدن صدای او توسط شاهد در جایگاه او در دادگاه می‌باشد، یعنی بدون این که صدای ضبط شده‌ای از متهم پخش شود یا صدای او در میان برخی صداهای دیگر قرار گیرد، صدای متهم در جلسه دادرسی توسط شاهد شنیده می‌شود، البته این روش نیز دارای ایراداتی می‌باشد، از جمله این که با دیدن هم‌زمان چهره و شنیدن صدا، امکان پیش‌داوری افزایش می‌یابد و از سوی دیگر ممکن است، متهم از حق سکوت خود استفاده نموده و در دادگاه حرف نزند. پیش‌داوری به این معنی است که اگر متهم دارای چهره خشن یا وضعیت ویژه‌ای باشد، ممکن است قضاوت عجولانه‌ای توسط شاهد صورت گیرد (Kimberly, 2010: 196).

در انگلیس به شناسایی از طریق «به صف‌آرایی» ارزش کمتری می‌دهند و در بعضی موارد به آن ایراد می‌گیرند. در حقوق انگلیس اگر شاهده‌ی در زمان شنیدن صدای متهم استرس نداشته باشد، شناسایی بعدی او دارای همان ارزش شناسایی چهره می‌باشد و فرقی ندارد، درحالی که اگر بر شناسایی صدا ایراد علمی وارد گردد، مثلاً شاهد در بانکی که مورد سرقت واقع می‌شود، صدای سارق را درحالی که اسلحه‌ای بر روی سر او بوده بشنود، تشخیص بعدی وی دارای ایراد است، زیرا صدا را همراه با استرس به ذهن سپرده است.

در حقوق ایران بین تشخیص از طریق به صف‌آرایی یا تشخیص مستقل، فرقی وجود ندارد و دارای یک ارزش اثباتی هستند. علت این که در حقوق کشوری، تشخیص از طریق به صف‌آرایی مطرح می‌شود، شاید به جهت آماده‌تر بودن بعضی شهود در ارائه شهادت به این روش باشد. روش به صف‌آرایی،

<sup>۱</sup>- R. v. Turnbull

متهم برای اولین بار برای شاهد روئت می‌شود (یعنی برای اولین بار است که وی متهم را در صحنه جرم می‌بیند و سابقه آشنایی با چهره او را ندارد، ضروری است و انجام این کار به دلیل احتمال فراموشی می‌باشد، یعنی انسان‌ها معمولاً وقتی صدای فردی را برای بار اول می‌شنوند با پخش مجدد آن صدا در میان صداهای دیگر، بهتر می‌توانند به شناسایی آن بپردازند تا این که فقط همان صدا برای فرد پخش شود» (قرجه‌لو، ۱۳۸۸: ۳۷۵).

به این ترتیب صدور حکم به محکومیت از طریق شناسایی صدا، مستلزم عوامل زیادی است و اگر یکی از عوامل مخدوش باشد، میزان شناسایی صدا ضعیف می‌شود. در حقوق ایران، در خصوص این که آیا نوار ضبط صوت را می‌توان به عنوان دلیل مورد استناد قرار داد یا خیر، کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی اداره حقوقی در جلسه مورخ ۱۳۴۴/۰۷/۱۷ به اکثریت چنین اظهار نظر کرده است: «دلایل اثبات دعوا به شرح مذکور در جلد سوم قانون مدنی، عبارت از اقرار و سند و شهادت و امارات و قسم می‌باشد و در فصل دهم از باب سوم قانون آیین دادرسی مدنی هم، طرز رسیدگی به دلایل مزبور پیش‌بینی شده و نوار ضبط صوت که در عین حال قابل تنفیذ بوده و وسیله مطمئنی نمی‌باشد و در قوانین ایران عنوانی ندارد و با وضع حاضر نمی‌تواند به عنوان دلیل در اثبات دعوی مورد استناد قرار گیرد.» نظر اقلیت نیز بر این است که «چون نوار ضبط صوت وسیله حفظ اقرار و محتوی آن اقرار است، لذا به نظر می‌رسد نوار ضبط صوت برای کشف حقیقت و یا اثبات امری، در مراجع قضایی قابل استفاده باشد و احتمال تقلید و تقلب در تهیه آن نمی‌تواند مؤثر در نظر فوق باشد، زیرا در مورد سایر دلایل همچنین احتمال هست، مثل جعل سند و شهادت کذب و سوگند دروغ و در مورد نوار اگر در اصالت آن اختلاف شود، محکمه به صحت آن رسیدگی می‌کند، همان طوری که به صحت یک سند، در صورت تعرض به آن رسیدگی می‌شود.»

نظر اکثریت اداره در این مورد، شاید درست نباشد، زیرا اگرچه ضبط صوت، در امور کیفری و در امور مدنی، جزء دلایل احصا نشده‌اند و مانند انگلیس «اماره» هستند، ولی باید توجه داشت که ارزش این اماره به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله این که کارشناس مسأله چه میزان تخصص دارد، صدا تا چه حد واضح ضبط شده، کیفیت نوار تا چه حدی می‌باشد و ... البته

شاهد چهره متهم را ندیده، ولی صدای او را شنیده است. در خصوص حالت دوم مقرر قانونی در زمینه تشخیص صدا، بیان می‌دارد: «شاهد قبل از تشخیص صدا، می‌بایست از طریق دیدن هم‌زمان چهره و صدای متهم، وی را شناسایی کند.» این امر برای کاهش ضریب اشتباه می‌باشد و مبتنی بر یافته‌های علمی است، زیرا این روش دقیق‌تر می‌باشد، هر چند در آن ایراد پیش‌داوری وجود دارد.

اگر برای بار اول متهم را در صحنه جرم دیده، چگونه توانسته وی را به خاطر بیاورد و شناسایی کند؟

چه میزان وقفه بین دیدن متهم در صحنه جرم و شناسایی در مرحله تحقیقات به وجود آمده است؟

در کنار این اخطار برای شناسایی چهره، ممکن است این اخطار برای شناسایی از روی صدا نیز به کار رود، از جمله این که قاضی باید به هیأت منصفه اخطار بدهد که در شناسایی از روی صدا، به نوع زبان و لهجه فرد توجه داشته باشند. در ضمن باید به هیأت منصفه اخطار داده شود که عواقب اشتباه در شناسایی از روی صدا، بسیار بیشتر از عواقب اشتباه در شناسایی از طریق چهره می‌باشد. استثنایی نیز بر این قاعده وجود دارد و آن زمانی می‌باشد که صدای متهم ضبط شده و هیأت منصفه با شنیدن صدای اصلی متهم و صدای ضبط‌شده، می‌باید تصمیم‌گیری کنند که در این جا اخطارها به شدت قبل نمی‌باشد.

در بسیاری موارد، ندادن اخطار مذکور توسط پلیس، باعث نقض رأی شده است، از جمله در پرونده‌ای آمده که فردی توسط چند نفر، به قصد سرقت مورد ضرب و جرح قرار گرفت. بزه‌دیده که چهره ضاربین را دیده بود، چند روز بعد از حادثه با روئیت یکی از ضاربین، موضوع را به پلیس اطلاع می‌دهد. بعد از دستگیری، دادگاه به محاکمه فرد می‌پردازد، ولی برخی نکات در بازجویی پلیس رعایت نمی‌شود. از مواردی که رعایت نمی‌شود، عدم صدور اخطار بوده است و از طرف دیگر متهم بدون این که در یک صف‌آرایی قرار گیرد، صرفاً بر اثر شهادت بزه‌دیده، توسط پلیس متهم شده است و حتی دادگاه بدوی هم به این موارد توجهی نکرده است و رأی صادره در مرحله تجدید نظر، نقض شده است، زیرا به صف‌آرایی، به خصوص در زمانی که چهره

برخی حقوق دانان خلاف این مطلب، نظر داده‌اند و نظر اکثریت اداره حقوقی را من باب این که «نوار ضبط صوت در قوانین ایران عنوانی ندارد» قابل دفاع دانسته‌اند (شمس، ۱۳۹۲: ۹۹).

در حقوق دو کشور، اصولاً صدا یک روش غیرمستقیم برای اثبات جرم می‌باشد. دلیل بودن این روش اثبات نیز در زمانی است که ماهیت عمل، همراه با صدا باشد و آن، در توهین و مانند آن می‌باشد، یعنی اگر فردی از پشت دیوار توهین فردی به دیگری را بشنود، می‌تواند به عنوان «دلیل» مورد استناد قرار گیرد. هر جرمی با شهادت خاصی قابل تحقق است، مثلاً قتل و سرقت با دیدن و توهین با شنیدن؛ پس فرد کور نمی‌تواند دو جرم اول و فرد کر نمی‌تواند جرم سوم را شاهد باشد. به همین ترتیب از پشت دیوار نمی‌توان شاهد قتل و سرقت بود و شنیدن در چنین جرایمی، می‌تواند به عنوان «اماره» مطرح باشد. گزارش ضابطان قضایی مملو از اماراتی است که نیاز به توجه مقام قضایی دارد و در نتیجه هیچ گزارش ضابطی بدون بررسی توسط مقام قضایی نباید مستند صدور حکم قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به نقش و اعتبار اماره داشتن اقدامات و گزارش‌های ضابطان دادگستری به دلیل اصل بودن که نیاز به اثبات ندارد، توجه شده است. ارزش و اعتبار اماره قانونی گزارش ضابطان با دقت نظر در منطوق ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تطبیق آن با ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی که نسبت به آن قانونی مادر محسوب می‌شود، قابل اثبات است، چراکه قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت از گزارش ضابطان به عنوان اماره قانونی یاد کرده و از طرف دیگر دو مورد از قرارهایی که امارات قانونی هستند، یعنی معاینه محل و تحقیقات محلی را که از وظایف بازپرس می‌باشد و طبق ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از طرف مقام قضایی به ضابطان دادگستری تفویض می‌شود، در ردیف امارات قانونی درآورده است. بنابراین براساس ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تطبیق آن با تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان نتیجه گرفت گزارش ضابطان ارزش و اعتبار اماره قانونی را دارد، چراکه قانون‌گذار مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲ در ماده ۱۶۰ در مقام احصای ادله اثبات جرم، از علم قاضی در کنار اقرار، شهادت، قسامه و سوگند سخن گفته است و جایگاه و نقش دلایلی همچون گزارش ضابطان دادگستری، نظریه کارشناس، معاینه و تحقیق محلی در نظام ادله کیفری را در تبصره ماده ۲۱۱ همان قانون با اشاره از باب تمثیل به مواردی، از قبیل نظریه کارشناس و معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات، به عنوان مستند علم قاضی شناخته است. قانون‌گذار در ماده ۲۱۱ مفهوم را از «اقناع وجدان» به «یقین» قاضی تغییر داده و علم را دلیلی برتر و قوی‌تر از سایر دلایل اعلام کرده، طوری که هیچ دلیل توان معارضه با علم مستند قاضی را ندارد و اگر علم قاضی در تعارض با سایر دلایل، همچنان مستند باقی بماند، این سایر دلایل هستند که محکوم به بطلان هستند، لذا این دلایل به خودی خود مستند نبوده و مستند بودن آن‌ها منوط به علم‌آوردن آن‌ها است. همچنین مواد ۱۶۲ و ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی مستند این مطلب هستند. در انگلستان پلیس مکلف است تا از گزارش خود نزد نهاد دادستانی و دادگاه دفاع نماید و این امر در طول زمان منجر به ارائه گزارش‌های محکم‌تری از پلیس در مراجع قضایی شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** در این پژوهش، همه نویسندگان سهم برابر در نگارش داشتند.

**تشکر و قدردانی:** از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

**منابع و مأخذ**

- Allen, C; Taylor, C & Nairns, J (2015). *Practical guide to evidence*. Oxford: Routledge.
- Anderson, T.J; Schum, D.A & Twining, W.L (2005). *Analysis of Evidence*. 2<sup>nd</sup> ed., Cambridge: Cambridge University Press.
- Arden, J (2022), *The judicial system of England and Wales*. The Judicial Office International Team.
- Holton, J & Bonnerjee, J (2022). *The child, the court, and the video: A study of the implementation of the Memorandum of good practice on Video interviewing of child witnesses*. Manchester: Department of Health, Health Publications Unit.
- Kimberly, C (2010). *How to really, really write those boring police reports!*. Looseleaf Law Publications.
- McDonald, E (2012). *Principles of evidence in criminal cases*. Thomson Reuters Pub.
- Schwikkard, P.J & Van der Merwe, S.E (2009). *Principles of Evidence*. Juta Pub.
- Singh, A (1990). *Principles of the law of evidence*. State Mutual Book & Periodical Service, Limited.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). *شناسایی آیین دادرسی کیفری*. دفتر دوم، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۱). *ادله اثبات دعوا*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانش‌نگار.
- خالقی، علی (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول و دوم، چاپ چهل و ششم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۲). *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات دراک.
- قرجه‌لو، علیرضا (۱۳۸۸). «امارات قضایی در حقوق کیفری ایران و انگلیس». *تحقیقات حقوقی*، ۴۹:
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *اثبات و دلیل اثبات*. جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: میزان.
- کریم‌زاده، احمد (۱۳۷۶). *نظارت انتظامی در نظام قضایی*. تهران: مؤسسه انتشاراتی آیدا.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری: منطبق با ق. آ. د. ک جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴*. چاپ شانزدهم، تهران: جنگل/جاودانه.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۶). *مبانی استنباط حقوق اسلامی*. چاپ پنجاه و نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.